



بررسی رابطه رویدادهای استرس‌زای زندگی و گرایش به سوء مصرف مواد با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی و نقش تعدیل‌کننده راهبردهای مقابله‌ای در میان دختران

فاطمه میر*

کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، سیستان و بلوچستان، ایران.
(mir.fatemeh2017@chmail.ir)

چکیده

سوء مصرف مواد، به عنوان مهمترین مشکل سلامت جوانان، دومین اختلال شایع روانی و از پر مخاطره‌آمیزترین رفتارهای خلال کودکی، نوجوانی و جوانی و یکی از معضلات عمده در زمینه زیستی، فرهنگی، روانی، اجتماعی، رفتاری و معنوی است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه رویدادهای استرس‌زای زندگی و سوء مصرف مواد با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی و نقش تعدیل‌کننده سبک مقابله‌ای در میان دختران است. این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دختر دانشگاه شهید بهشتی بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای پرسشنامه در میان ۳۰۷ نفر از آنان توزیع شد، که در نهایت ۲۶۹ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در پژوهش حاضر جهت آزمون الگوی اندازه‌گیری و فرضیه‌های پژوهش از مدل تحلیل مسیر با نرم افزار Amos استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که تأثیر مستقیم رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی منفی و معنی‌دار است. تأثیر مستقیم نیازهای بنیادین روانشناختی بر سوء مصرف مواد منفی و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد مسأله‌مدار در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی منفی و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد معنادار نیست. نقش تعدیل‌کننده راهبرد اجتنابی در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی و نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد معنادار نیست.

واژگان کلیدی: رویدادهای استرس‌زای زندگی، نیازهای بنیادین روانشناختی، راهبردهای مقابله‌ای، سوء مصرف مواد؛



مقدمه

یکی از جدی‌ترین معضلات بشری در سال‌های اخیر مصرف مواد مخدر بوده است که منجر به تضعیف پایه‌ها و بنیان‌های جامعه انسانی شده است (Bachman et al, 2014). پدیده سوء مصرف مواد از جمله بحران‌های عمده جهانی است که سایه شومش را بر روی تمامی جوامع انسانی افکنده و به فرد، گروه و جامعه خاصی اختصاص ندارد. که از یک سو منجر به از هم پاشیدگی خانواده‌ها و از سوی دیگر افزایش روز افزون آمار جرم و جنایت را در پی داشته است (سهند و همکاران، ۱۳۸۸). به طوری که اعتیاد به مواد مخدر یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جوامع امروزی محسوب می‌شود (Moss et al, 2014).

اصطلاح سوء مصرف و وابستگی به مواد، به تداوم در مصرف داروهای شبه افیونی به رغم مشکلات متعدد و شدیدی که از مصرف آنها ناشی می‌شود اطلاق می‌شود که با مجموعه‌ای از نشانه‌های جسمانی، رفتاری و شناختی همراه است (Kim-Spoon et al, 2015). از دیدگاه روان‌شناسی، دامنه تأثیرات مخرب اعتیاد به مواد مخدر از آن رو حائز اهمیت فراوان است که عواقب وخیم آن تنها فرد معتاد را در بر نمی‌گیرد، بلکه محیط پیرامون و دوستان و افراد خانواده و همکاری وی نیز در معرض آثار ویرانگر آن قرار خواهند گرفت (Feit et al, 2015). همچنین سوء مصرف مواد در میان جوانان ایران، بویژه دانشجویان و دانش‌آموزان، نگرانی اصلی در میان محققان و سیاستگذاران است. طبق گزارش دفتر پیشگیری از مصرف مواد و جرم سازمان ملل متحد^۱ کشور ایران دارای بیشترین تعداد سوءمصرف‌کنندگان مواد افیونی به نسبت جمعیت در جهان است و بالاترین شیوع سوءمصرف با ۸/۲ درصد در بین افراد در ایران وجود دارد (ضیایی، ۱۳۸۸).

از سوی دیگر، امروزه سوء مصرف مواد نه تنها در بین مردان بلکه در بین زنان هم رو به افزایش است (مرتضوی مقدم و همکاران، ۱۳۸۸; Evans et al, 2017). رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، تأهل و جنسیت) با سوء مصرف مواد نیز بررسی شده و نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین جنسیت و سوء مصرف مواد، رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که مشخص شده است که سوءمصرف مواد مردان بیش از زنان است و با افزایش سن شدت می‌یابد، اما پژوهش‌های دیگر رابطه معنادار سوءمصرف مواد و وضعیت تأهل را گزارش نکرده‌اند (بحرینیان و همکاران، ۱۳۸۳). از آنجایی که در مورد اعتیاد هم مثل سایر بیماری‌ها و معضلات به معالجه بیش از پیشگیری توجه شده است موفقیت‌چندانی در این زمینه بدست نیامده است در حالیکه لازم است ضمن شناخت دقیق مکانیسم و ماهیت اعتیاد و شناخت علل و عوامل زمینه ساز آن موجبات آگاهی و شناخت همگانی را نیز فراهم ساخت. بنابراین، در پژوهش حاضر به بررسی رابطه رویدادهای استرس‌زای زندگی و سوء مصرف مواد با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی و نقش تعدیل‌کننده راهبردهای مقابله‌ای در میان دختران پرداخته شده است.

رویدادهای استرس‌زای زندگی اشاره به رویدادهایی دارند که افراد در زندگی با آن مواجه می‌شوند ولی با توجه به امکانات و توانمندی‌های کنونی افراد توانایی مقابله با آن‌ها را ندارند در نتیجه دچار کشمکش و تعارض روانی خواهند شد (Orth and Luciano, 2015). بنابراین، رویدادهای استرس‌زای زندگی، رویدادهایی مشکل‌زا بوده (Guastella and Moulds, 2007) که به اختلالات هیجانی منجر می‌شوند (Shapero, 2014). میزان تنش‌زایی هر رویداد معین برای افراد گوناگون یکسان نیست. به این معنا که مردم از لحاظ ارزیابی ویژگی‌های سه گانه یاد شده در رویدادها، با یکدیگر تفاوت دارند و عمدتاً همین ارزیابی هاست که رویدادها را استرس‌زا می‌سازد (Oren, 2017). منابع رویدادهای استرس‌زای زندگی عبارتند از: تضاد خانواده، عدم پیشرفت تحصیلی و عدم پذیرش از سوی همسالان (Snodgrass et al, 2014; Jun and Choi, 2013). Li et la (2016) در پژوهش خود دریافتند که رویدادهای استرس‌زای زندگی منجر به کاهش ارضای نیازهای روانشناختی و در نتیجه افزایش اعتیاد به اینترنت می‌شوند.



مطابق با نظریه خودتعیین‌گری^۱، سه نیاز بنیادین روان‌شناختی^۲ خودمختاری^۳، شایستگی^۴ و رابطه^۵ وجود دارد که ارضای این نیازها باعث بهزیستی^۶ و انگیزش درونی در هر قلمرویی از زندگی می‌شود (Deci and Ryan, 2010). نیاز به شایستگی به موفقیت در تکالیف چالش‌برانگیز و کسب نتایج مطلوب اشاره دارد. نیاز به شایستگی با احساس مؤثر بودن در اعمالی که فرد انجام می‌دهد (Ryan et al, 2013) تعیین می‌شود. خودمختاری هنگامی رخ می‌دهد که افراد احساس کنند بر اعمال و انتخاب فعالیت‌های خود کنترل دارند. خودمختاری با خودسازماندهی^۷، تایید رفتار خود و حق انتخاب داشتن در اعمالی که فرد انجام می‌دهد (Deci and Ryan, 2010) تعیین می‌شود. نیاز به ارتباط، شامل احساس اطمینان در رابطه با دیگران و احساس تعلق به محیط اجتماعی خود است (حجازی و همکاران، ۱۳۹۱). ارتباط با احساس مرتبط بودن با دیگران و داشتن حس تعلق به اجتماعی که فرد در آن است (Chen et al, 2015) تعیین می‌شود.

نظریه خودمختاری اهمیت نیازهای بنیادین روان‌شناختی را به دلایل زیر می‌داند. الف) پرداختن به چالش‌های بهینه و تجربه کردن رهبری یا سودمندی در جهان اجتماعی و جسمانی (ب) جستجوی دلبستگی‌ها و تجربه احساس ایمنی، تعلق و صمیمیت با دیگران (ج) خودسازماندهی و تنظیم رفتار خود فرد (و اجتناب از کنترل دیگر پیرو) که تمایل برای کارکردن جهت یکپارچگی و بهم پیوستگی درونی میان اهداف و تقاضاهای تنظیمی را شامل می‌شود بیان می‌کند (Deci and Ryan, 2014). ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی تا اندازه زیادی به نحوه پاسخگویی محیط اجتماعی و بوم‌شناختی به نیازهای بنیادین روان‌شناختی وابسته است. شدت رویدادهای استرس‌زای زندگی منجر به کاهش ارضای نیازهای روان‌شناختی می‌شود (Li et al, 2016). پژوهش‌های انجام شده نیز نشان داده‌اند که با افزایش رویدادهای استرس‌زای زندگی، ارضای نیازهای روان‌شناختی کاهش پیدا می‌کند (Raufelder et al, 2014; Xia and Ye, 2014; Ye et al, 2013; Li et al, 2016).

Li et al (2016) راهبردهای مقابله‌ای را به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی و اعتیاد در نظر گرفتند. لازاروس و فولکمن^۸ (۱۹۸۴؛ به نقل از Johnson, 2014) به هر نوع تلاش سالم یا ناسالم برای جلوگیری، از بین بردن یا تضعیف منبع استرس یا به تلاش‌های فرد برای مدیریت یا کنترل موقعیت چالش‌برانگیز یا پر دغدغه، مقابله می‌گویند و آن را به دو دسته راهبردهای مسأله‌مدار و هیجان‌مدار تقسیم کردند. (Endler and Parker (1990) اجتناب از مشکلات را سومین دسته اصلی راهبردهای مقابله دانستند.

راهبردهای مقابله‌ای مسأله‌مدار به روش‌هایی گفته می‌شود که براساس آن فرد اعمالی را که برای کاهش یا برطرف کردن استرس به کار می‌گیرد، بررسی و محاسبه کرده، درباره مسئله اطلاعات بیشتری را جستجو و بر آن اساس گام‌هایی را برای حل مسئله الویت‌بندی می‌کند (Cherkil, 2013). برعکس در راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار فرد بر خود متمرکز شده و تمامی کوشش او در جهت کاهش احساسات ناخوشایند خویش است (Seiffge-Krenke, 2013). هدف راهبردهای مقابله‌ای اجتنابی، اجتناب از موقعیت‌های استرس‌زا است که ممکن است به صورت روی آوردن و درگیر شدن در یک فعالیت جدید و یا به شکل روی آوردن به اجتماع و افراد دیگر ظاهر شود (شکری و همکاران، ۱۳۸۷). براساس تئوری‌های روان‌شناختی، راهبردهای مقابله‌ای نقش مهمی در کاهش استرس داشته (Yussuf,

1 Self-determination
2 Basic Psychological needs
3 Autonomy
4 Competence
5 Relatedness
6 Well-Being
7 Self-organizing
8 Lazarus & Folkman



(2013) و به حفظ توازن و کیفیت مناسب زندگی کمک می کنند (Afshar et al, 2015). اگرچه که هر یک از روش‌های مقابله با استرس تأثیر گذار است (Gibbons et al, 2011) اما بحث مهم متون مختلف شناسایی راهبردهای مقابله ای مؤثر و مناسب در مواجهه با استرس های زندگی است (Krypel and Henderson-King, 2010)، چرا که شکست در سازگاری مؤثر با استرس می‌تواند منجر به مشکلات روانی شود (Nagase et al, 2009). مفید و مؤثر بودن راهبردها به میزان کاربرد آن راهبرد، منابع استرس‌زا و ارزیابی فرد از موقعیت بستگی دارد (Emilia and Hassim, 2007). Li et al (2016) دریافتند که نقش تعدیل کننده راهبردهای مقابله‌ای مثبت در ارتباط بین رویدادهای استرس زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی مثبت و معنادار است. اما نقش تعدیل کننده راهبردهای منفی معنادار نیست. نتایج همچنین نشان داد که نقش تعدیل کننده راهبردهای مقابله‌ای در ارتباط بین نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد معنادار نیست.

در مجموع، کشور ایران به دلیل جوان بودن جمعیت، با مشکلات عمده‌ای در زمینه اعتیاد مواجهه است. این عارضه امروزه در میان افراد جوان شایع‌تر است و سن ابتلاء به آن به نحو قابل توجهی کاهش یافته است. تاکنون پژوهش‌های زیادی در رابطه با ارتباط بین متغیرهای متعدد فردی و اجتماعی با گرایش به سوء مصرف مواد در میان جوانان و نوجوان انجام شده است. اما کمتر پژوهشی به بررسی رابطه رویدادهای استرس‌زای زندگی و گرایش به سوء مصرف مواد با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی و نقش تعدیل کننده راهبردهای مقابله‌ای در میان دختران پرداخته است، بر این اساس پژوهش حاضر در پی آن است که تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی بر گرایش به سوء مصرف مواد را با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی و نقش تعدیل کننده راهبردهای مقابله‌ای در میان دختران مورد بررسی قرار دهد.

مدل مفهومی پژوهش

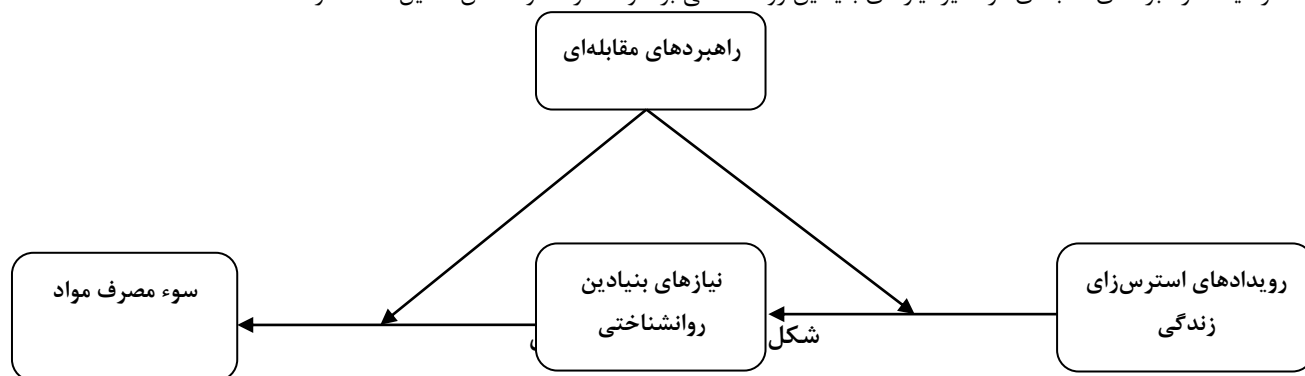
با توجه به ادبیات نظری و پژوهشی مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ترسیم شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود. در این مدل رویدادهای استرس‌زای زندگی به عنوان متغیر مستقل، نیازهای بنیادین روانشناختی به عنوان متغیر میانجی، سبک‌های مقابله‌ای به عنوان متغیر تعدیل کننده و سوء مصرف مواد به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. بنابر این فرضیه‌های پژوهش حاضر به صورت زیر می‌باشد:

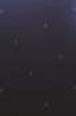
فرضیه ۱: رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی تأثیر دارد.

فرضیه ۲: نیازهای بنیادین روانشناختی بر سوء مصرف مواد تأثیر دارد.

فرضیه ۳: راهبردهای مقابله‌ای در تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی نقش تعدیل کننده دارند.

فرضیه ۴: راهبردهای مقابله‌ای در تأثیر نیازهای بنیادین روانشناختی بر سوء مصرف مواد نقش تعدیل کننده دارند.





روش تحقیق

روش اجرای پژوهش توصیفی - پیمایشی و طرح پژوهش همبستگی از نوع تحلیل مسیر است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش دانشجویان دختر دانشگاه شهید بهشتی بودند. ۳۰۷ پرسشنامه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در بین آنان توزیع شد. که از این تعداد ۳۸ پرسشنامه به دلیل اینکه به تعداد زیادی از سوالات پاسخ نداده بودند از تحلیل حذف شدند. در نهایت ۲۶۹ پرسشنامه وارد تحلیل شدند.

ابزارهای پژوهش (چگونگی بررسی روایی و پایایی ابزارها)

رویدادهای استرس‌زای زندگی: برای اندازه‌گیری رویدادهای استرس‌زای زندگی از پرسشنامه لی و همکاران (۲۰۱۰) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۶ گویه است که رویدادهای استرس‌زای زندگی را در حیطه‌های خانواده، مدرسه، بین‌فردی و شخصی مورد بررسی قرار می‌دهد. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) اندازه‌گیری شدند. ضریب همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد. شاخص‌های به‌دست آمده از تحلیل عامل تأییدی جهت بررسی روایی در پژوهش حاضر $RMSEA=0/056$, $CFI=0/98$, $AGFI=0/91$, $GFI=0/93$ نشان از برازندگی مناسب الگو با داده‌ها دارد.

نیازهای بنیادین روانشناختی: برای اندازه‌گیری نیازهای بنیادین روانشناختی از مقیاس نیازهای بنیادین روانشناختی ایلاردی و همکاران (۱۹۹۳) استفاده شد. این مقیاس شامل ۲۱ گویه است که نیازهای روانشناختی خودمختاری، شایستگی و ارتباط را می‌سنجند. گویه‌ها بر اساس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً غلط «۱» تا کاملاً درست «۵» تنظیم شده‌اند. ضریب همسانی درونی این مقیاس ۰/۸۲ به دست آمد. شاخص‌های به‌دست آمده از تحلیل عامل تأییدی جهت بررسی روایی در پژوهش حاضر $GFI=0/94$, $GFI=0/90$, $RMSEA=0/069$, $CFI=0/95$, $AGFI=$ نشان از برازندگی مناسب الگو با داده‌ها دارد.

راهبردهای مقابله‌ای: برای اندازه‌گیری راهبردهای مقابله‌ای از پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای اندلر- پارکر (۱۹۹۰) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۴۸ سؤال است که راهبردهای مسأله مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی را می‌سنجند. سوالات بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) اندازه‌گیری شدند. ضریب همسانی درونی این مقیاس به ترتیب برای راهبردهای مسأله مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی ۰/۸۹، ۰/۸۳، ۰/۷۹ به دست آمد. شاخص‌های به‌دست آمده از تحلیل عامل تأییدی جهت بررسی روایی در پژوهش حاضر $RMSEA=0/067$, $CFI=0/96$, $AGFI=0/89$, $GFI=0/93$ نشان از برازندگی مناسب الگو با داده‌ها دارد.

گرایش به سوء مصرف مواد: برای اندازه‌گیری گرایش به سوء مصرف مواد از پرسشنامه گل‌پرور استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۵۴ گویه است. گویه‌های بصورت خیر و بله اندازه‌گیری شدند. ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از محاسبه شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش، به منظور بررسی روابط بین متغیرها از روش تحلیل مسیر استفاده شد. مدل ارائه شده در این پژوهش دربرگیرنده رویدادهای استرس‌زای زندگی به عنوان متغیر مستقل، نیازهای بنیادین روانشناختی به عنوان متغیر میانجی، سبک‌های مقابله‌ای به عنوان متغیر تعدیل‌کننده و سوء مصرف مواد به عنوان متغیر وابسته است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Amos استفاده گردید.



یافته‌ها

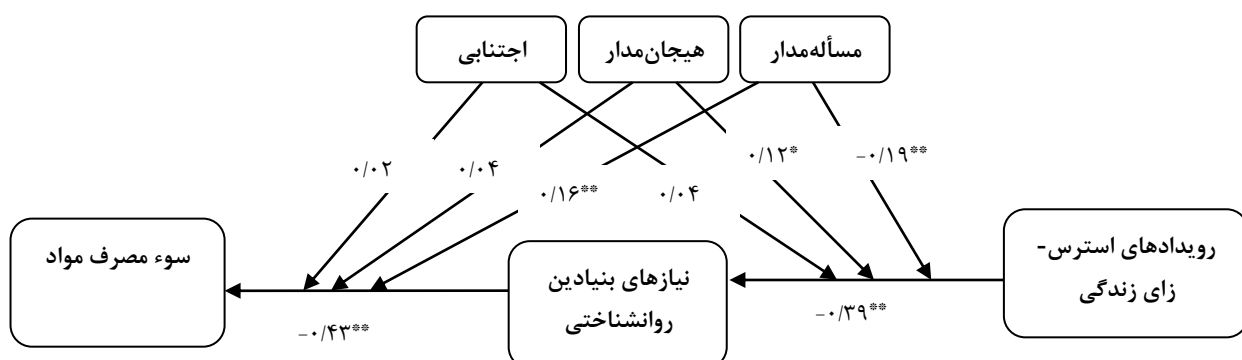
با توجه به اینکه مبنای تجزیه و تحلیل الگوهای علی، ماتریس همبستگی است. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد بررسی، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. رویدادهای استرس‌زای زندگی	۱					
۲. نیازهای بنیادین روانشناختی	-۰/۴۴**	۱				
۳. راهبرد مسأله مدار	-۰/۳۱**	۰/۳۸**	۱			
۴. راهبرد هیجان‌مدار	۰/۲۴**	-۰/۱۹**	-۰/۴۹**	۱		
۵. راهبرد اجتنابی	۰/۱۳*	۰/۰۷	-۰/۳۳**	۰/۰۹	۱	
۶. سوء مصرف مواد	۰/۴۰**	-۰/۴۷**	-۰/۴۲**	۰/۱۴*	۰/۰۸	۱
میانگین	۳/۱۹	۳/۰۱	۲/۸۹	۳/۰۷	۲/۹۶	۱/۰۲
انحراف معیار	۰/۷۸	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۸۸	۰/۷۱	۰/۵۴

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود از میان متغیرهای پژوهش به ترتیب نیازهای بنیادین روانشناختی ($r = -0.47$)، راهبرد مسأله مدار ($r = -0.42$)، رویدادهای استرس‌زای زندگی ($r = 0.40$)، راهبرد هیجان‌مدار ($r = 0.14$) و راهبرد اجتنابی ($r = 0.08$) دارای بیشترین تا کمترین ضریب همبستگی با سوء مصرف مواد می‌باشند. ضریب همبستگی رویدادهای استرس‌زای زندگی با نیازهای بنیادین روانشناختی ($r = -0.44$) و راهبرد مسأله مدار ($r = -0.31$) منفی و معنادار و با راهبرد هیجان‌مدار ($r = 0.24$) و راهبرد اجتنابی ($r = 0.13$) مثبت و معنادار است. ضریب همبستگی نیازهای بنیادین روانشناختی با راهبرد مسأله مدار ($r = 0.38$) مثبت و معنادار و با راهبرد هیجان‌مدار ($r = -0.19$) منفی و معنادار است. ضریب همبستگی نیازهای بنیادین روانشناختی با راهبرد اجتنابی ($r = 0.07$) معنادار نیست.



شکل ۲: الگوی برازش شده پیش‌بینی سوء مصرف مواد

شکل ۲ الگوی برازش شده پیش‌بینی سوء مصرف مواد را نشان می‌دهد. روی مسیرها، پارامترهای استاندارد شده گزارش شده‌اند. مطابق با شکل ۲، تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی منفی و معنادار است. تأثیر نیازهای بنیادین روانشناختی بر سوء مصرف مواد منفی و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد مقابله‌ای مسأله‌محور در تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی منفی و معنادار و در تأثیر نیازهای بنیادین روانشناختی بر سوء مصرف مواد مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده



راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار در تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد مقابله‌ای اجتنابی در تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی معنادار نیست. نقش تعدیل‌کننده راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار و اجتنابی در تأثیر نیازهای بنیادین روانشناختی بر سوء مصرف مواد معنادار نیست.

از آنجا که هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه رویدادهای استرس‌زای زندگی و سوء مصرف مواد با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی و نقش تعدیل‌کننده سبک مقابله‌ای در میان دختران به روش تحلیل مسیر است، در جدول ۲ ضرایب اثر مستقیم، غیر مستقیم و واریانس تبیین شده متغیرهای پژوهش آورده شده است. اعداد داخل پرانتز ضرایب t جهت بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر می‌باشد.

جدول ۳- برآورد ضرایب استاندارد شده اثر مستقیم، غیرمستقیم و واریانس تبیین شده الگو

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	واریانس تبیین شده
به روی سوء مصرف مواد از: رویدادهای استرس‌زای زندگی نیازهای بنیادین روانشناختی	- -۰/۴۳** (۶/۴۳)	۰/۱۷** (۴/۰۶)	۰/۲۳
به روی نیازهای بنیادین روانشناختی از: رویدادهای استرس‌زای زندگی	-۰/۳۹** (۵/۳۹)	-	۰/۲۷
نقش تعدیل‌کننده راهبرد مسأله‌مدار در ارتباط بین: رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی	-۰/۱۹** (۳/۰۲)	-	-
نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین: رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی	۰/۱۶** (۲/۶۴)	-	-
نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین: رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی	۰/۱۲* (۲/۰۴)	-	-
نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد نقش تعدیل‌کننده راهبرد اجتنابی در ارتباط بین: رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی	۰/۰۴ (۱/۰۹)	-	-
نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد نقش تعدیل‌کننده راهبرد اجتنابی در ارتباط بین: رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی	۰/۰۴ (۱/۱۳)	-	-
نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد	۰/۰۲ (۰/۸۶)	-	-

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تأثیر مستقیم رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی ($\beta = -0.43$) منفی و معنی‌دار است. تأثیر مستقیم نیازهای بنیادین روانشناختی بر سوء مصرف مواد ($\beta = -0.43$) منفی و معنادار است. تأثیر غیرمستقیم رویدادهای استرس‌زای زندگی بر سوء مصرف مواد ($\beta = 0.17$) مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد مسأله‌مدار در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی ($\beta = -0.19$) منفی و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد مسأله‌مدار در ارتباط بین نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد ($\beta = 0.16$) مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در



ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی ($\beta = 0.12$) مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد ($\beta = 0.04$) معنادار نیست. نقش تعدیل‌کننده راهبرد اجتنابی در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی ($\beta = 0.04$) و نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد ($\beta = 0.02$) معنادار نیست.

مشخصه‌های برازندگی الگوی تحلیل مسیر در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳: مشخصه‌های برازندگی الگوی تحلیل مسیر

ملاک	برآورد	مشخصه
$\chi^2/df < 3$	۱/۹۰	نسبت مجذور خی به درجه آزادی (χ^2/df)
$RMSEA < 0.08$	۰/۰۵۸	جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)
$GFI > 0.9$	۰/۹۴	شاخص نکویی برازش (GFI)
$AGFI > 0.9$	۰/۹۲	شاخص تعدیل شده ی نکویی برازش (AGFI)
$CFI > 0.9$	۰/۹۸	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)
$NFI > 0.9$	۰/۹۷	شاخص نرم شده برازندگی (NFI)

بر اساس جدول ۳ نسبت خی دو به درجه آزادی ($\chi^2/df = 1/90$) شاخص نکویی برازش ($GFI = 0.94$)، شاخص تعدیل شده ی نکویی برازش ($AGFI = 0.92$) و ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب ($RMSEA = 0.058$) در سطح مناسبی هستند. بنابر این برازش الگوی پیش‌بینی گرایش به سوء مصرف مواد در سطح مناسبی است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه رویدادهای استرس‌زای زندگی و سوء مصرف مواد با تأکید بر نقش میانجی نیازهای بنیادین روانشناختی و نقش تعدیل‌کننده سبک مقابله‌ای در میان دختران با استفاده از تحلیل مسیر بود. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که الگوی پیشنهادی با داده‌های این پژوهش برازش نسبتاً خوبی دارد و می‌تواند ۲۳ درصد از واریانس سوء مصرف مواد و ۲۷ درصد نیازهای بنیادین روانشناختی را تبیین می‌کند.

نتایج نشان داد که رویدادهای استرس‌زای زندگی منجر به کاهش نیازهای بنیادین روانشناختی و از این طریق منجر به افزایش سوء مصرف مواد می‌شوند. این یافته با نتایج پژوهش‌های (Li et al, 2013; Ye et al, 2014; Xia and Ye, 2014; Raufelder et al, 2014) همخوانی دارد. بنابراین، برآورده شدن نیازهای بنیادین روانشناختی تا اندازه زیادی به نحوه پاسخگویی محیط اجتماعی و بوم-شناختی به این نیازها وابسته است. رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نحوه پاسخگویی به آن‌ها تأثیر گذاشته و در نتیجه منجر به کاهش برآورده شدن این نیازها می‌شود. در نتیجه، عدم برآورده شدن نیازهای بنیادین روانشناختی تحت تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی یکی از مکانیسم‌های تبیینی برای گرایش دختران به سوء مصرف مواد در اثر رویدادهای استرس‌زای زندگی است. زیرا در اثر برآورده نشدن این نیازها دختران به دنبال روش‌های دیگری جهت کاهش استرس و برآورده شدن این نیازها خواهند بود که یکی از آن‌ها سوء مصرف مواد است.

نتایج نشان داد که نیازهای بنیادین روانشناختی بر گرایش به سوء مصرف مواد تأثیر منفی و معنادار دارند. این یافته با نتایج پژوهش Li et al (2016) همخوانی دارد. بنابراین، ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی منجر به کاهش سوء مصرف مواد می‌شود. در نتیجه ارضای این نیازها و مورد توجه قرار دادن آن‌ها منجر به کاهش گرایش به سوء مصرف مواد می‌شود. عدم برآورده شدن نیازهای روانشناختی باعث می‌شود که دختران از راه‌های دیگر به دنبال برآورده کردن این نیازها باشند که یکی از آن‌ها سوء مصرف مواد است. بنابراین هنگامی که



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



شیراز، ایران
96170-82201

محیط افراد باعث ارضای نیازهای روانشناختی دختران می‌شود باعث رشد این متغیرها و در نتیجه کاهش گرایش به سوء مصرف مواد می‌شود. مطابق با نظر نظریه خودتعیین‌گری نیازهای بنیادی روان‌شناختی هنگامی ارضا می‌شوند و پیامدهای مثبتی دارند که محیط اجتماعی مربوطه، حامی ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی افراد باشند. در صورت ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی هر یک از افراد به اهمیت و نقش خود در زندگی پی برده و احساس مفید بودن در زندگی خواهند داشت و در نتیجه گرایش کمتری به سوء مصرف مواد خواهند داشت.

نتایج نشان داد که نقش تعدیل‌کننده راهبرد مدار در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی منفی و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد مدار در ارتباط بین نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی مثبت و معنادار است. نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد معنادار نیست. نقش تعدیل‌کننده راهبرد هیجان‌مدار در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی و سوء مصرف مواد معنادار نیست. بنابراین راهبرد مسأله‌مدار منجر به کاهش تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی و افزایش تأثیر رویدادهای استرس‌زای زندگی بر نیازهای بنیادین روانشناختی می‌شود. راهبرد اجتنابی منجر به کاهش یا افزایش تأثیر متغیرها بر یکدیگر نمی‌شود. Li et al (2016) در پژوهش خود دریافتند که نقش تعدیل‌کننده راهبردهای مقابله‌ای مثبت در ارتباط بین رویدادهای استرس‌زای زندگی و نیازهای بنیادین روانشناختی مثبت و معنادار است. اما نقش تعدیل‌کننده راهبردهای منفی معنادار نیست.

در مجموع نتایج نقش رویدادهای استرس‌زای زندگی، نیازهای بنیادین روانشناختی و راهبردهای مقابله‌ای بر گرایش به سوء مصرف مواد را مورد تأیید قرار دادند. این یافته‌های بیانگر این است که اعتیاد پدیده‌ای قابل درک بوده و بدون دلیل و بدون علت رخ نمی‌دهد. رویدادها و محیط زندگی افراد بر گرایش آنان به مصرف مواد مخدر نقش تعیین‌کننده دارد و با کاهش رویدادهای استرس‌زای زندگی، ارضای نیازهای بنیادین روانشناختی و توانایی مقابله مسأله‌مدار می‌تواند گرایش دختران به مصرف مواد مخدر را تا حد قابل ملاحظه‌ای کاهش داد. در این پژوهش تنها نمونه‌ای از دانشجویان دختر دانشگاه شهید بهشتی بررسی شدند؛ از این‌رو، تعمیم یافته‌ها با محدودیت مواجه است. یافته‌ها بر اساس داده‌های خودگزارش‌دهی بوده و استفاده از روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته به پژوهشگران در جهت شناخت عمیق‌تر این پدیده سودمند خواهد بود.

منابع

- بحرینیان، سیدعبدالحمید؛ قائدی، غلامحسین؛ یاسمی، محمدتقی؛ ثقه‌الاسلام، طاهره. (۱۳۸۳). بررسی سوء مصرف مواد در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۰-۸۱. *طب و ترکیه*، ۳۵(۳)، ۶۶-۷۸.
- حجازی، الهه؛ خضری‌آذر، هیمین؛ امانی، جواد. (۱۳۹۱). ادراک دانش‌آموز از حمایت معلم از خودمختاری و خودکارآمدی انگلیسی: نقش واسطه‌ای نیازهای اساسی روانشناختی. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۴(۱)، ۲۹-۵۰.
- سهند، بهرام؛ زارع، حسین؛ فتی، لادن. (۱۳۸۸). مقایسه حوزه‌های مرتبط با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در معتادان ناموفق و موفق به ترک اعتیاد مواد افیونی و جمعیت غیربالینی. *اعتیاد پژوهی*، ۱۱(۳)، ۶۵-۸۲.
- شکری، امید؛ مرادی، علیرضا؛ دانشپور، زهره؛ طرخان، رضاعلی. (۱۳۸۷). نقش تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های مقابله با استرس و سلامت روانی، دو فصلنامه روانشناسی معاصر، ۳(۱): ۵۱-۶۱.
- ضیایی، سیده سلیم (۱۳۸۸). اثر آموزش کنترل توجه بر کاهش تورش توجه وابستگان به مواد مخدر. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی.
- مرتضوی مقدم، سیدغلامرضا؛ مادرشاهیان، فرح؛ طبعی، شهناز؛ پژمان‌خواه، شیدا؛ صادقی، محمدحسین. (۱۳۸۸). شیوع سوء مصرف مواد در بین دانشجویان دانشگاه‌های بیرجند. *اپیدمیولوژی*، ۲۴(۱-۴)، ۶۰-۶۵.



96170-82201



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران



- Afshar, H., Roohafza, H. R., Keshteli, A. H., Mazaheri, M., Feizi, A., & Adibi, P. (2015). The association of personality traits and coping styles according to stress level. *Journal of research in medical sciences: the official journal of Isfahan University of Medical Sciences*, 20(4), 353.
- Bachman, J. G., O'Malley, P. M., Schulenberg, J. E., Johnston, L. D., Bryant, A. L., & Merline, A. C. (2014). *The decline of substance use in young adulthood: Changes in social activities, roles, and beliefs*. Psychology Press.
- Chen, B., Vansteenkiste, M., Beyers, W., Boone, L., Deci, E. L., Van der Kaap-Deeder, J., ... & Ryan, R. M. (2015). Basic psychological need satisfaction, need frustration, and need strength across four cultures. *Motivation and Emotion*, 39(2), 216-236.
- Cherkil, S., Gardens, S. J., & Soman, D. K. (2013). Coping styles and its association with sources of stress in undergraduate medical students. *Indian journal of psychological medicine*, 35(4), 389.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2010). *Self-determination*. John Wiley & Sons, Inc..
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2014). Autonomy and need satisfaction in close relationships: Relationships motivation theory. In *Human motivation and interpersonal relationships* (pp. 53-73). Springer Netherlands.
- Emilia, Z. A., & Hassim, I. N. (2007). Work-related stress and coping: A survey on medical and surgical nurses in a Malaysian teaching hospital. *Jabatan Kesihatan Masyarakat*, 13(1), 55-66.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. (1990). State and trait anxiety, depression and coping styles. *Australian Journal of Psychology*, 42(2), 207-220.
- Evans, E., Upchurch, D., & Grella, C. E. (2017). Gender differences in the effect of childhood adversity on alcohol, drug, and poly-substance use disorders. *Drug & Alcohol Dependence*, 171, e60.
- Feit, M. D., Fisher, C., Cummings, J., & Peery, A. (2015). Substance use and abuse: Screening Tools and assessment instruments. In *Evidence-informed assessment and practice in child welfare* (pp. 123-133). Springer International Publishing.
- Gibbons, C., Dempster, M., & Moutray, M. (2011). Stress, coping and satisfaction in nursing students. *Journal of advanced nursing*, 67(3), 621-632.
- Guastella, A. J., & Moulds, M. L. (2007). The impact of rumination on sleep quality following a stressful life event. *Personality and Individual Differences*, 42(6), 1151-1162.
- Johnson, J. C. (2014). *Personality and coping styles: Toward an integrated model of mental health among sexual orientation minorities*. Sam Houston State University.
- Jun, S., & Choi, E. (2015). Academic stress and Internet addiction from general strain theory framework. *Computers in Human Behavior*, 49, 282-287.
- Kim-Spoon, J., McCullough, M. E., Bickel, W. K., Farley, J. P., & Longo, G. S. (2015). Longitudinal associations among religiousness, delay discounting, and substance use initiation in early adolescence. *Journal of Research on Adolescence*, 25(1), 36-43.
- Krypel, M. N., & Henderson-King, D. (2010). Stress, coping styles, and optimism: are they related to meaning of education in students' lives?. *Social Psychology of Education*, 13(3), 409-424.
- Moss, H. B., Chen, C. M., & Yi, H. Y. (2014). Early adolescent patterns of alcohol, cigarettes, and marijuana polysubstance use and young adult substance use outcomes in a nationally representative sample. *Drug and alcohol dependence*, 136, 51-62.
- Nagase, Y., Uchiyama, M., Kaneita, Y., Li, L., Kaji, T., Takahashi, S., ... & Ohida, T. (2009). Coping strategies and their correlates with depression in the Japanese general population. *Psychiatry Research*, 168(1), 57-66.
- Oren, E., Gerald, L., Stern, D. A., Martinez, F. D., & Wright, A. L. (2017). Self-Reported Stressful Life Events During Adolescence and Subsequent Asthma: A Longitudinal Study. *The Journal of Allergy and Clinical Immunology: In Practice*, 5(2), 427-434.
- Orth, U., & Luciano, E. C. (2015). Self-esteem, narcissism, and stressful life events: Testing for selection and socialization. *Journal of personality and social psychology*, 109(4), 707.



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد شیراز



- Raufelder, D., Kittler, F., Braun, S. R., Lätsch, A., Wilkinson, R. P., & Hoferichter, F. (2014). The interplay of perceived stress, self-determination and school engagement in adolescence. *School Psychology International*, 35(4), 405-420.
- Ryan, R. M., Curren, R. R., & Deci, E. L. (2013). What humans need: Flourishing in Aristotelian philosophy and self-determination theory.
- Seiffge-Krenke, I. (2013). *Stress, coping, and relationships in adolescence*. Psychology Press.
- Shapero, B. G., Black, S. K., Liu, R. T., Klugman, J., Bender, R. E., Abramson, L. Y., & Alloy, L. B. (2014). Stressful life events and depression symptoms: the effect of childhood emotional abuse on stress reactivity. *Journal of clinical psychology*, 70(3), 209-223.
- Snodgrass, J. G., Lacy, M. G., Dengah, H. F., Eisenhauer, S., Batchelder, G., & Cookson, R. J. (2014). A vacation from your mind: Problematic online gaming is a stress response. *Computers in Human Behavior*, 38, 248-260.
- Xia, F., & Ye, B. J. (2014). The effect of stressful life events on adolescents' tobacco and alcohol use: The chain mediating effect of basic psychological needs and coping style. *Journal of Psychological Science*, 37(6), 1385-1391.
- Ye, B. J., Yu, S. Y., & Hu, Z. J. (2013). The effect of stress, gratitude and satisfaction of basic psychological needs on drug use among reform school students. *Psychological Development and Education*, 29(4), 415-423.
- Yussuf, A. D., Issa, B. A., Ajiboye, P. O., & Buhari, O. I. N. (2013). The correlates of stress, coping styles and psychiatric morbidity in the first year of medical education at a Nigerian University. *African journal of psychiatry*, 16(3), 206-215.